



۲۰۱۳/۰۲/۲۴



ع باغبان

قانون و قانونیت در دوره حکومت انتقالی

و ریاست جمهوری حامد کرزی

از دسامبر ۲۰۰۱ الی امروز

قسمت دوم :

نظام یا دولت آقای کرزی را در پرتو پرنسیپ های حقوقی که در بخش اول توضیح دادیم ملاحظه مینمائیم:

- آیا پروسه ظهور و تاسیس دولت جدید مشروعیت داشت ؟

- ساختار و اهداف دولت جدید و نگاهی بر کادرها یا دولتمردان و عملکردهای آنان .

- قوای ثلاثه، کادرها و عملکردهای شان

۱- طوریکه فوقاً متذکر شدیم دولت موقت طبق پلانهایی قبلی تحت نام مبارزه علیه تروریسم و مواد مخدره و یا انتقام از حادثه یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ نیویارک، کشورهای نیدخل در قضیه افغانستان به اساس کنار آمدن و چانه زندهای تنظیمهای متخاصم جهادی و جنگسالاران بشکل شراکت در تقسیم چوکیها و قدرت دولت، بعد از تقریباً ۹ شبانه روز مناقشه تشکیل و طبق پروگرام تعیین شده (ششماه دولت انتقالی، تصویب قانون اساسی و برگزاری انتخابات ریاست جمهوری، پارلمانی و....) ایجاد گردید. چون در ایجاد دولت جدید اراده عمومی مردم که میتوانست از طریق سهمگیری تمام سازمانها و نهاد های مدنی و سایر سازمانهای اجتماعی تمثیل گردد، کم رنگ بود و حتی اکثریت آرای اشتراک کننده گان داخل جلسه بن در نظر گرفته نشد، دولت موقت طبق آرزوی امریکا و متحدینش بوجود آمد. لذا از نگاهی حقوقی: دولت جدید قانونی و مشروع گفته نمیشود. دولت جدید بانظرداشت ماهیت و شکلگیری آن، قانون اساسی را طبق افکار و نظریات دولتمردان که در آن منافع مردم و وطن کم رنگ بملاحظه میرسد، طبق منافع گروه های متشکله دولت، تسوید و تصویب گردید که نمونه کوچک آن را مواد ۶ - ۱۰ - ۱۱ - یادآور شد که طبق آن:

(دولت، سرمایه گزاریها و تشبثات خصوصی را مبتنی بر نظام اقتصاد بازار، مطابق به احکام قانون، تشویق، حمایت و مصونیت آن ها را تضمین می نماید. و امور مربوط به تجارت داخلی و خارجی، مطابق به ایجابات اقتصادی کشور و مصالح مردم، توسط قانون تنظیم میگردد. دولت به ایجاد یک جامعه مرفه و مترقی بر اساس عدالت اجتماعی، حفظ کرامت انسانی، حمایت حقوق بشر، تحقق دموکراسی، تامین وحدت ملی، برابری بین همه اقوام و قبایل و انکشاف متوازن در همه مناطق کشور مکلف می باشد.)

- دولت زمانی میتواند نظام اقتصادی را مبتنی بر اقتصاد بازار ایجاد نماید که در کشور حاکمیت قانون، دیموکراسی، حفظ کرامت انسانی، حمایت حقوق بشر خلاصه عدالت اجتماعی رعایت گردد. دولت جدید اقتصاد بازار در شرایط مطرح کرد که جانشین یک سیستم عقب مانده تجری شد که در آن آثار عدالت، دموکراسی، رعایت حقوق و آزادیهای انسانی کمتر به نظر میرسد. علاوه بر جنگسالاری به اشکال متعدد در مناطق مختلف کشور با ایجاد نظام ملوک الطوائفی حقوق و آزادیهای هموطنانما را پایمال میکردند. نظام جدید که اکثرأ متشکل از همان جنگسالاران میباشد، طی سه دهه اخیر با روحیه حصول منافع شخصی در خدمت دشمنان وطن و مردم قرار داشتند و از جانب دیگر با چورو چپاول، غصب دارائی های عامه و خصوصی ودها اعمال خلاف قانون به سرمایه داران بزرگ در افغانستان تبدیل گردیده و فعلاً بخاطر بدست آوردن منافع بیشتر با استفاده از قدرت دولتی سیستم اقتصادی بازار در قانون اساسی تسجیل نمودند گرچه دولتمردان به حاکمیت قانون در جامعه اعتقاد و اراده ندارند اما باتسجیل نمودن آن در قانون زمینه های بیشتر و بهتر زر اندوزی را با امکانات بیشتر در چوکات قانون برای خویش مهیا نمودند. ایجاد نظام اقتصاد بازار آزاد در چنین شرایط زهری بود و میباشد که بر حلقوم اکثریت جامعه، بخصوص (طبقه غریب) انداخته شد و میشود. هرگاه دولت کرزی هدف خدمت ب مردم و وطن میداشتند در آن شرایط و فعلاً که فقر و غربت، مریضی و بی سرپناهی، حیات ملیونها هموطنما را تهدید نموده و مینماید، با طرح پلانهایی مثبت و قابل تطبیق، نقش سکنتور مختلط و حتی سکنتور دولتی را در جهت منافع و مصالح مردم که سه دهه جنگ زنده گی شان را از همه نگاه ها تباه و ویران نموده تقویه و در جهت ایجاد جامعه مرفه و مترقی بر اساس عدالت اجتماعی سعی و تلاش میورزید. گرچه جناب کرزی حین احراز قدرت طبق ماده ۶۳ قانون اساسی به مردم کشور چنین تعهد نمودند:

بسم الله الرحمن الرحيم، (به نام خداوند بزرگ (ج) سوگند یاد می کنم که دین مقدس اسلام را اطاعت و از آن حمایت کنم . قانون اساسی و سایر قوانین را رعایت و از تطبیق آن مواظبت نمایم از استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی افغانستان حراست و حقوق و منافع مردم افغانستان را حفاظت کنم و با استعانت از بارگاه پروردگار متعال و پشتیبانی ملت، مساعی خود را در راه سعادت و ترقی مردم افغانستان بکار برم) اما افسوس که آقای کرزی نسبت معضلات متعدد که جناب شان بوجود آورده اند

د پانو شمیره: له ۱ تر ۷

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده ، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

نتوانستند که به اکثر تعهدات خویش عمل نمایند. ده نمونه دیگر از خلا و نواقص عمدی و یا غیر عمدی در قانون اساسی دولت کرزی بملاحظه میرسد.

- رهبران دولت جدید یا دولتمردان اکثرشان در جنگ تولد و بزرگ شده اند. از نعمت سواد، تحصیل و تربیه لازم بهره کافی نداشته، در امور دولت، وظایف اداری بلدیت و تجربه لازم نداشتند. در جنگ با اخلاق و کلتور خشن، زجر و شکنجه، قتل و کشتار، تخریب و ویرانی تربیه و عادت نموده بودند، اکثر اطبق هدایت رهبران تنظیمها در مظالم و قانونشکنیها عمل مینمودند. آنان بودند بر علاوه که از مردمان دردهات، قراء، قصبات و شهرها جزیه میگرفتند، با تهدید و استعمال سلاح اقدام به غصب، تصاحب، چور و چپاول، حریق اموال شخصی و دولتی اقدام نمودند. (طورمثال قرار ارقام نشر شده در مطبوعات به اثر چپاول و غارت اموال دولتی و شخصی در شاهراه سالنگ اضافه از ۲۰۰۰ عراده موترهای کاماز شرکت افسوتر و دیگر مؤسسات دولتی را که ملکیت عامه بود و عراده جات شخصی را، ابتداء اموالشان را غارت و عراده جات را حریق نمودند و اضافه از ۵۰۰ درپور را شهید نمودند که اسما و سوانح اکثر درپوران شهید در لوحه یاد گاری ریاست افسوترحک و نصب شده بود) آن افراد که مرتکب چنین جنایات گردیده بودند فعلاً مسئولین ادارات امنیتی و یا در بخش های دیگر دولت عهده دار وظایف مهم میباشند. علاوه قابل تذکر و دقت میباشد که یکتعداد از کدرهای فعلی دولت قبلاً مجریان اهداف دشمنان وطن و مردم ما بودند و مرتکب اعمال متعدد خلاف قانون و علیه منافع مردم و کشور گردیدند. طورمثال آقای عبدالجبار ثابت لوی خاړنوال دولت کرزی در مصاحبه مطبوعاتی بیان داشت: آقای عبدالرحیم وردک وزیر دفاع دولت کرزی، تحت نام جهاد طبق دساتیراستخبارات پاکستان اقدام به تخریب بند برق نغلو که ملکیت عامه و از جمله بزرگترین دستگاہ برق افغانستان است، نمود. هدف پاکستان از تاریخ تولدش الی امروز، ویرانی و تخریب کشور ما میباشد. نمونه از هزاران اهداف شوم پاکستان یکی هم عمل تخریبکارانه عبدالرحیم وردک و گروهش بود. خوشبختانه جلوگیری جنایتکاران آقای وردک و استخبارات پاکستان توسط قوای امنیتی آنوقت گرفته و گروه چرنیکی مربوط استخبارات پاکستان، فرار نمودند. آیا جناب وردک فکرنمی کرد که پروژه برق ملکیت شخصی رژیم آن وقت نبود بلکه ملکیت بیت المال و بخاطر رفاه عامه از پول بیت المال احداث شده است. آیا یک افغان واقعی مرتکب چنین خیانت میگردد؟ وجدان سالم و عقل سلیم هرگز قبول نخواهد کرد تا در جهت تباهی مردم کشور خود طبق هدایت استخبارات کشور دشمن (پاکستان) عمل نماید. جواب معلوم بود که به خاطر منافع شخصی خویش چنین عمل جنایتکارانه را مرتکب شد. جناب وردک باز به همان روحیه منافع شخصی در دوره وزارت دفاع نیز کار نمود چنانچه (قراردادهای بزرگ اکمالاتی قوای ناتو و سایر قراردادهاییکه عواید هنگفت داشت بنام پسرش عقد نمود) و فعلاً یکی از میلیاردیهای کشور محسوب میگردد. به همین شکل صدها کدر حکومت کرزی با داشتن همجوسوابق فعلاً به سرمایه داران بزرگ تبدیل گردیده اند. آنان در تحقق اهداف دشمنان وطن و حصول منافع شخصی، طی سه دهه اخیر مرتکب اعمال خلاف قانون و تخلفات متنوع علیه منافع مردم و کشور شدند. چون در محیط و ماحول شان از قانون و قانونیت اثری نه بود با قانون، مزایا آن و نقش قانون در جامعه آشنائی نداشته و نمیخواهند داشته باشند. در قانون شکنی و قانون گریز تربیه شده بودند. یکی از دلایل که افغانستان فعلاً از نگاه فساد اداری و قانون شکنی، تجاوز بحقوق، مال و جان مردم، خشونت علیه زنان و نوجوانان، کشت و صدور مواد مخدره در سطح جهان از درجه ممتاز برخوردار است همین دلایل میباشد.

اعمال دولتمندان حتی اثرات سوء و منفی شان بالای بعضی کارمندان ادارات کشورهای کمک کننده به افغانستان بجا گذاشتند است چنانچه تقریباً سوم حصه کمکهای جهانی در رابطه به اعمار مجدد افغانستان، داخل کشور نگردیده و بلااثر وساطت دولتمندان در خارج کشور حیف و میل گردیده و ادامه دارد. لذا عامل اصلی فساد در افغانستان یک تعداد کدرها و رهبران دولت میباشند. با آنکه از نظر شکلی تا حدودی کار در کشور از قبیل ساختمانهایی بلند منزل، اعمار مکاتب، مدارس، پوهنتونها، توجه نسبی به معارف در چوکات معینه، توجه به سپورت، آزادی نسبی نشرات و بیان، توسعه رسانه های چاپی و تصویری، توسعه کلینکها، شفاخانه ها، امتداد و ترمیم سرک های بیکیفت، توسعه شبکه های برق وارداتی از کشورهای همجوار، احداث شرکتهایی متعدد در بخشهای مختلف به شمول ترانسپورت زمینی و هوایی، تصویب قوانین و صدور فرامین متعدد اکثراً روی کاغذ باقی مانده، بیش از ۱۱۰ حزب و سازمان سیاسی تأسیس و ثبت شده (که اساسنامه و برنامه عمل اکثر احزاب مذکور در تضاد با منافع و وحدت ملی میباشد و علاوه تأسیس احزاب مذکور در کشور ما شکل تفنن را بخود گرفته)، بلند رفتن حجم واردات اموال بی کیفیت و بعضاً غیر ضروری و ... که بصورت عموم منافع دولت مردان و نزدیکان شان در آن نهفته میباشد.

کارهای انجام شده اکثراً بنیادی و در جهت منافع مردم و کشور صورت نه گرفته. از یکطرف روحیه مردم دوستی و وطنپرستی در اکثر کدرها کمتر به نظر میرسد و بصورت عموم در جهت منافع شخصی سعی و تلاش دارند و از جانب دیگر به اساس تخصص، فهم، دانش، مسلک و لیاقت سالاری در پستهای دولتی نصب نگردیده اند (طور نمونه وزارت آب و برق که نقش عمده در توسعه، انکشاف کشور و رفاه عامه دارد، باید یک کدر مسلکی و با تجربه مقرر میگردد) جای تأسف است که کابل اولین پایتخت در جهان میباشد که از نعمت روشنایی برق که از جمله ضروریات عادی زنده گی انسانان در جهان فعلی میباشد، بی بهره است) باز هم تأسف آوراست که پست این وزارت حساس که منافع تمام مردم و جامعه از نظر اقتصادی و اجتماعی در آن نهفته میباشد به اساس مصلحتهای نظام به یکی از جنگسالاران معروف غیر مسلکی که فعلاً به امیر اسماعیل خان مشهور گردیده، رسید. هرگاه نگاهی بر عملکردهای گذشته جناب شان نظر باندازیم قوماندان اسماعیل و همزمانش تحت نام جهاد مرتکب اعمال غیرقانونی مختلف از جمله غصب اموال و جایداد های مردم شدند. گرچه بعد از بقدرت رسیدن بمقام ولایت هرات تاحدودی در اعمار شهر هرات از عاید گمرک اسلام قلعه بشکل غیرقانونی کار نموده است. ولی مرتکب سوء استفاده های مختلف از قبیل غصب زمینهای دولتی و شخصی، سلب و انتلاف حقوق و آزادیهای یکتعداد هموطنان ما، استفاده سوء از پول گمرک هرات در

د پانوی شمیره: له ۲ تر ۷

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

جهت منافع شخصی خود و غیره اعمال خلاف قانون گردیده است. چنانچه آقای لودین آمراداره عالی مبارزه با فساد اداری ضمن مصاحبه مطبوعاتی در باره بررسی قضایای غصب زمینهای دولتی و شخصی گفتند که: محمداسماعیل خان وزیر انرژی و آب به غصب زمین های دولتی در ولایت هرات متهم می باشد و ارزش این زمین ها در حدود یکصد میلیون دالر بالغ میشود. آقای اسماعیل خان و برخی دیگر از قدرتمندان متحداً در غصب زمینها سهیم میباشند.

آقای لودین در گفتگوهی با بی بی سی افزود که پرونده مربوط به تخلفات مذکور به لوی خرنوالی افغانستان منتقل شده و قرار است در این مورد تحقیق شود و افزودند که: (خانۀ عبدالمجید خان که قبلاً به دولت تحویل داده شده بود قیمت بسیار بلند دارد، وزیرصاحب اسماعیل خان آنرا به نام خود کرده و یک قسمت آن هم به نام خانم محترم شان است. **اما اسماعیل خان معافیت اعمال جرمی دارد**). عدم مسلکی بودن و استفاده جوئی جناب اسماعیل خان سبب گردیده که با وجود میلیاردها دالر کمک جامعه جهانی تحت نام اعمار مجدد افغانستان که اعمار پروژه های برق در اولیتهای میباشند، اقدام به اعمار کدام پروژه برق نه نمودند تنها به توريد نیروی انرژی برق اقدام نمود. در حالیکه دهها پروژه قبلی برق در کشور ما وجود دارد که بامصرف کمتر میتوانستند ترمیم و توسعه یابد تا ضرورت مردم از ناحیه برق مرفوع گردد. اما افسوس ... و فعلاً جناب امیر اسماعیل خان از جمله سرمایه داران بزرگ کشور محسوب میگردد.

عدم موجودیت ساختار منظم دولتی، سطح پائین سواد، نقش منفی تندروان اسلامی تحت نام ملا، مجاهد و رهبران جهادی، مسلح بودن افراد بی بند و بار از عوامل دیگر بینظمی در جامعه میباشد. عدم موجودیت نظم و قانون در محیط زنده گی، تداوم جنگ و نا امنی مشکلات اساسی را در برابر پروسه دولت سازی قرار داده به همین دلیل است که همه از قانون شکنی شکایت دارند. رئیس جمهور و در مجموع قوه اجرائیه از نابسامانی و فساد به اصطلاح ناله و فغان شان سراسر دنیا را گرفته، چنانچه رئیس جمهور آقای کرزی بتاريخ ۱۱ دسامبر ۲۰۱۲ در مراسمی که به مناسبت روز جهانی مبارزه با فساد در کابل برگزار شده بود چنین سخنرانی کردند:

زورگویی یکی از عوامل فساد است.

سؤال (نقش رئیس دولت در جامعه چیست ؟)

حامد کرزی اضافه کردند: برای مبارزه مؤثر با فساد اداری در افغانستان، کشور های خارجی نباید با ماموران دولتی قرارداد ببندند.

سؤال (آیا نظارت از رعایت قانون و کنترل در ادارات و وظیفه دولت در رأس رئیس جمهور است یا نه ؟)

آقای کرزی فرمودند: قانون شکنیها و واسطه بازیها در حکومت زمینه فساد را مساعد کرده است.

سؤال (وظیفه دولت در زمینه چیست ؟)

او اضافه نمودند که: که همکاران خارجی افغانستان در ده سال گذشته نه تنها برای تطبیق قانون همکاری نکردند، بلکه خود مانع بودند.

سؤال (طبق ماده ۵ قانون اساسی آیا تطبیق قانون و وظیفه دولت میباشد یا خارجیان)

در حالیکه یکی از تعهدات اساسی دولت افغانستان به جامعه جهانی در کنفرانس بن دوم، مبارزه با فساد اداری و حکومتداری خوب بود و تعهد جهانی برای حمایت از افغانستان تا سال ۲۰۲۴ نیز مشروط به همین دو نکته می باشد. اما جای تأسف میباشد که رئیس جمهور توضیح دادند که: در داخل افغانستان و درون نظام واسطه بازی و معافیت زیاد است، پشت هر خراب کار واسطه میآید از اجتماع مردمی گرفته تا به بزرگان دولت و حکومت واسطه جریان دارد در هر مورد.

آقای کرزی اضافه نمودند که: برای کاهش فساد در افغانستان باید به معاش، ارتقا و ترفیع ماموران دولتی توجه شود. او گفت که در ده سال گذشته برای پاسپورت معاش داده شد، نه برای مهارت، زیرا کسانی که از اروپا میآمدند بیشترین معاش را میگرفتند.

سؤال (تقرر و عزل کدر های پاسپورت دار از صلاحیت دولت است یا نه ؟)

گفتار جناب کرزی بیانگر عدم درک و ناتوانانی شان از مقام رهبری دولت میباشد. در حالیکه مواد (۱۳، ۱۱، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵) قانون اساسی وظایف دولت و مواد ۶۰ بخصوص ماده ۶۴ وظایف و مکلفیتهای رئیس جمهور را تعیین و تثبیت نموده. با اینکه جناب شان حقوقدان میباشند، وظایف خویش را درک نکرده تا انجام دهد یا تمثیل نادانی میکنند و یا میخواهد این همه تخلفات و قانون شکنیها که نظام و جامعه را به سوی فساد و نا بودی کشانیده است بدوش دیگران (کشورهای خارج و مردم) به اندازد. با این همه فسادیکه در ادارات نظام کرزی وجود دارد، باید در همان مجلس تعهد میکرد و یا در آینده جهت بهبود اداره بهتر و تحقق حاکمیت قانون، شکل و شیوه های عملی نظارت از قانون و از بین بردن قانونشکنی وعده میداد. (اما افسوس ...)

در عوض آقای عزیزالله لودین رئیس اداره عالی مبارزه با فساد اداری چنین صحبت نمود: ... که یگانه راه برای محو فساد، اراده سیاسی برای مبارزه با این پدیده در سطوح بالای حکومت افغانستان می باشد.

آقای لودین گفتند: به دلیل نبود اراده مبارزه با فساد، معافیت و مصونیت قضایی، ادارات مبارزه با فساد افغانستان به "شیرهای بی دندان" می مانند که تنها نظاره گر فساد هستند و عملاً کاری از دست شان بر نمی آید. آقای لودین افزودند که: در حال حاضر

چندین دوسیه فساد در این اداره وجود دارد ولی نمیتوان این دوسیه ها را تعقیب و عاملان آن را مجازات کرد.

به گفته لودین، فرهنگ معافیت به قانون نا نوشته ای تبدیل شده و راهبرد مبارزه با فساد را ناکام کرده .

د پانوی شمیره: له ۳ تر ۷

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

بیانات آقای لودین با آنکه از جمله حامیان خاص کرسی میباید وضع ناهنجار فعلی کشور و احساس مردم و وطن و واقعیت رابیان کردند که: **(اراده مبارزه با فساد اداری در نظام نمیباشد)** لذا مطلب متذکره مبین ثبوت توضیحات فوق ما در دولت افغانستان میباشد.

طی دوران حکومت آقای کززی جنایات، تخلفات و تجاوزات متعدد به حقوق و آزادیهای مردم و سایر قانونشکنیها صورت گرفته طور نمونه میتوان یاد آورد:

- تهداب نظام جدید با جنایت جنگی گذاشته شد که میتوان از قتل و کشتار بیش از چهار هزار انسان اسیر شده بنام طالب که از مناطق شمال افغانستان (کنکز، بغلان سمنگان و سایر شهرها) دستگیر شدند. توسط سربازان و افسران قوای امریکائی و افغان در گرمایی تابستان بداخل کانتینرها بشکل غیر انسانی جابجا شده، در منطقه دشت لیلی ولایت جوزجان وحشیانه بقتل رسیدند و درگورهای دسته جمعی بالواسطه تراکتورها زیر خاک گردیدند.

- غصب و تودیع غیر عادلانه زمینهای منطقه شیرپور کابل که توسط رهبران و زورمندان دولت آقای کززی صورت گرفته که یکی از نمونه های رشوه ستانی چور و چپاول میباشد. اکثر دولتمردان رژیم دولت کززی قبلاً زنده گی عادی داشتند و به مشکل اعاشه و اباطه میکردند. طی مدت زمانی کوتاه آنان صاحب قصرهای مدرن و سرمایه های عظیم گردیدند که همه از پول فساد در اداره اعمار شده.

- تداوم ترورهای سیاسی و عدم تعقیب قضایای ترورهای زنجیری.

- عدم تعقیب قاتلین (ترور حاجی قدیر وزیر فریاد عامه) چنانچه **حاجی ظاهر قدیر عضو ولسی جرگه و رئیس ائتلاف حمایت از قانون (ائتلاف پارلمانی) گفت که در قتل پدر او (حاجی قدیر) حکومت دست داشته است.**

- عدم تعقیب قاتلین دوکتور عبدالرحمن وزیر هوانوردی در میدان هوایی کابل که توسط اشخاص معلوم الحال رژیم مورد لت و کوب قرار گرفته و از اظطیاره پائین انداخته و شهید گردید.

- ترور اعضای پارلمان در ولایت بغلان (سیدمصطفی کاظمی، صبغت الله ذکی، انجنیر متین، نازکمیر سرفراز، محمد عارف ظریف و صاحب الرحمان همت از اعضای کمیسیون اقتصاد ملی مجلس بودند که در ۱۵ عقرب ۱۳۸۶ شهید شدند). تاحال عاملین آن دستگیر و به پنجه قانون سپرده نشد.

- عدم تعقیب عاملین ترور جنرال داود (داود) فرمانده زون شمال پولیس و شاه جهان نوری فرماند پولیس ولایت تخار. ترور استاد ربانی رئیس دولت سابق و رهبر تنظیم جمعیت اسلامی، ترور ولی کززی و صدها ترور دیگر در مرکز و ولایات کشور... گرچه با وقوع چنین جنایات و قتلها جناب رئیس دولت با ابراز احساسات و ترحم، حتی اشکریزی نموده وعده به مجازات نمودن مجرمین را داده و کمیسیونها تعیین گردید اما بعد از طی چند روز هفته قضیه ها فراموش گردیدند.

- عدم تعقیب جنگسالاران که مرتکب اعمال خلاف قانون میگرددند. طور نمونه جنرال جرنت در راه کابل و شمال لوی خارنوال افغانستان (عبدالجبار ثابت) را در محضر عام توهین و کوب نمود، اما مورد پیگرد قانون قرار نگرفت و صدها همچو اعمال خلاف قانون زورمندان در مرکز و ولایات کشور از امیر اسماعیل خان گرفته تا گل آغا شیرزوی و چنانچه بیش از ۲۰۰ غاصب در حدود (یک ملیون و دو صد هزار جریب) زمینهای دولتی و شخصی را غصب نموده اند که هیئت موظف پارلمانی آنرا بکمک ارگانهای تثبیت نمود اما جرئت تعقیب عدلی آنان وجود ندارد. طبق اظهارات کارمندان دولت و مردم اکثراً باندهای تروریستی در داخل دستگاه حکومت فعال بوده با نظر داشت سوابق دوره به اصطلاح جهاد، با اضافت قدرت و صلاحیت، اختیارات و امکانات دولتی هر عملیکه بخواهند، انجام میدهند و یا جناح مخالف دولت که آنهم در داخل نظام فعال میباشند، مرتکب اعمال مختلف خلاف قانون گردیده و میگردند که میتوان از:

- رهائی و فرار دادن جنایتکاران و تروریستان از زندانها بخصوص تروریستان طالب طور مثال فرار دادن بیش از ۵۴۱ نفر زندانی با حفر تقریباً ۳۲۰ متر صوف از داخل محبس به خارج محبس کندهار بتاريخ ۱۱ اپریل ۲۰۱۱،
- انفجار در مقابل دروازه زندان کندهار و فرار طالبان در سال ۲۰۰۸،
- فرار دادن زندانیان از محبس زندان فاریاب.

- فرار و یا فرار دادن طالبان از محبس پلچرخ کابل. به همین شکل از بعضی ولایات دیگر میتوان نامبرد.

چون در همه تار و پود دولت فساد ریشه دوانده است زمینه های سازماندهی فعالیتهای تروریستی از زندانها نیز صورت میگردد. قرار گذارش خبرنگاران در اکثر محابس نزد محبوسین که به اتهام ترور و غیره اعمال ضد دولتی در حبس به سر میبرند، تلفونها جیبی یا موبیل که زمینه های تماس شان را با سایر اعضای گروه تأمین مینماید، وجود دارد و هم جلب و جذب به گروپهای ضد دولتی و سازماندهی جنایات بعضاً از داخل محابس و زندانها صورت میگردد.

- ادامه کارلوی خارنوال، رئیس ستره محکمه و چند تن اعضای کابینه که توسط شورای ملی مورد استیضاح قرار گرفتند، در پرنسیپ فیصله های ستره محکمه و تصامیم لوی خارنوالی و وزرای مربوطه غیرقانونی میباشد. اما آقای کززی با بی اعتنائی بر آن برخورد نموده که این عمل تخلف از قانون اساسی میباشد.

- چپاول دارائیهای عامه توسط زورمندان، دولتمردان و وابستگان شان مانند اختلاس کابل بانک، در این جنایت سهامدارانیکه با حکومت و نظام پیوند ندارند توقیف گردیدند اما سهامداران بزرگ این اختلاس، برادر رئیس جمهور و برادر معاون اول رئیس جمهور آزاد و مصروف تجارت میباشند.

د پانوی شمیره: له ۴ تر ۷

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

- طبق توضیحات آقای یاسین عثمانی عضو کمیته مبارزه با فساد در قضیه اختلاس کمک ۴۲ میلیون دالر امریکائی که جهت ترمیم شفاخانه سردار محمد داود خان اعطا شده بود معلوم نیست مسئولین وزارت دفاع در آن متهم میباشند، و تاحال حاضر به ارائه جواب نگریدند. به همین شکل صدها موارد قانونشکنی و عدم رعایت قانون اساسی، تخلف از قانون و گریزاز قانون وجود دارد. نقش پارلمان یا قوه مقننه دولت کرزی در تطبیق و حاکمیت قانون:

شورای ملی یا پارلمان عالی ترین ارگان تقنینی و مظهر اراده مردم میباشد که از مردم نمایندگی می نماید. هر عضو شورا در موقع تصمیمگیری باید مصالح و منافع علیای مردم و کشور را در نظر گرفته وظایف خویش را انجام دهند. اعضای پارلمان پرنسیباً متشکل از افراد با سواد، دانشمند، مجرب و باتجربه که در بین مردم و جامعه از محبوبیت برخوردار باشند، میباشد و توسط مردم در انتخابات شفاف عمومی، آزاد، سری و مستقیم انتخاب میگردند. در آنصورت پارلمان مظهر اراده مردم میباشد و وظایف خویش را در مطابقت با قانون اساسی انجام میدهند. وظایف و صلاحتهای شورای ملی جمهوری اسلامی افغانستان را مواد ۸۱ الی ۱۰۹ قانون اساسی تثبیت که طبق آن مجالس باید وظایف خویش را انجام دهند. از جمله تصویب، تعدیل یا لغو قوانین و یا فرامین تقنینی، تصویب (پروگرامهای انکشافی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و تکنالوژیکی و بودجه دولتی)، اجازه اخذ یا اعطای قرضه، ایجاد و یا لغو واحد های اداری، تأیید معاهدات و میثاقهای بین المللی یا فسخ الحاق افغانستان به آن و سایر صلاحیتهای مندرج قانون اساسی میباشد. تحقق این وظایف خطیر ضرورت به نماینده گان بافهم، بادرک و واقعی مردم دارد. افسوس که یکتعداد اعضای پارلمان (قوه مقننه) مانند کدر سایر بخشهای دولت در محیط جنگ تریبه و تعداد قابل ملاحظه شان بر علاوه که از تحصیلات لازم بی بهره اند در بحرانها، جنگها و کشتار و جنایات نقش مؤثر داشتند. قابل تذکر است که عدم فهم، دانش و تجربه لازم در برخورد با قضایای وظیفوی، اخلاق و کلتور خشن و انضباط ناپذیر، بی اعتنائی در انجام وظایف، اکثرأ غیابت در جلسات که از نصاب قانونی برخوردار نمیشد. حاکم بودن کلتور خشن در داخل پارلمان تا سرحد دشنام دادن تا به سرحد ناموس و برخوردهای فزیکئی، یکی از عوامل ناکامی پارلمان دولت کرزی میباشد که با چنین روحیه و اخلاق خشن از یکطرف وظایف اصلی و اساسی خویش را انجام نمیدهند و از جانب دیگر مناسبات و همکاری قانونی را با (حکومت و قضا) تأمین نمی نمایند. طور مثال آقای ملا عبدالسلام راکتی که به اصطلاح در دوران جهاد راکت در شانه داشت و با هدف قراردادن توسط راکت آرجی بی هفت و سلاحهای مختلف صدها هموطن (عساکر، صاحبمنصبان، کارمند دولت و سایر مؤسسات) را تحت عناوین مختلف شهید نمود لذا وکلا محترم با داشتن چنین تریبه و اخلاق که از سواد لازم هم برخوردار نمیشدند وظایف خویش را که در مواد فوق الذکر قانون اساسی تسجیل یافته و شامل پیشنهادات معضلات سیاسی، تخنیکئی، اجتماعی، فرهنگ، اقتصادی، مدنی و غیره میباشد بکدام شکل انجام خواهند داد و چه تصامیم اتخاذ خواهند نمود. هرگاه نشرات تلویزیونها را بدقت مشاهده فرمائید یکتعداد از وکلای محترم در هنگام جلسات پارلمانی در کرسی های خویش به خواب غفلت فرو میروند و تعداد قابل ملاحظه اعضای مانند رهبران تنظیمها، جنگسالاران و یا آنانیکه پشتوانه تنظیمی و یا قدرت دارند بصورت متواتر در وظایف خویش (جلسات شورای ملی) حضور نمیداشته باشند. گرچه چندین بار لست وکلای غیر حاضر شورای ملی در مطبوعات کشور نیز به نشر رسیده اما با عدم درک از مسئولیتهای سپرده شده در انجام وظایف خویش اعتنا نکرده و پابند نمیشدند.

به همین شکل آقای عبدالرب رسول سیاف و اعضای تنظیمش بر علاوه کشتار فجیحانه هموطنان ما قبل و بعد از بقدرت رسیدن (حکومت به اصطلاح مجاهدین) مرتکب جنایات مختلف غیر انسانی و غیر اسلامی از قبیل (میخ کوبیدن در کله هم وطنان ما واقع منطقه کوه سنگی کابل، بریدن سینه های زنان در مناطق خوشحال خان و افشار و سایر اعمال خلاف قانون و شریعت به کمک اعراب عضو تنظیمش (وهابیها) گردید. مظالم مذکور ثبت تاریخ کشور ما گردیده است. بهمین منوال جنایات آقای محقق، مولوی محمد علم و دهها عضو دیگر مجالس ولسی جرگه و مشرانو جرگه، فعلاً آنان با استفاده از ظلم، قدرت، پول و سایر امکانات دولتی بحیث اعضای پارلمان (خود را انتخاب) نمودند و مانند حکومت سیستم مافیائی را وسعت بخشیدند. چنانچه در مصاحبه مطبوعاتی که بتاريخ ۱۷ جنوری ۲۰۱۳ از طریق تلویزیون طلوع پخش گردید، اشتراک کننده گان: خانم وژمه صافی، آقای همایون (همایون) و آقای فرهاد مجیدی اعضای مجلس نمایندگان، آقای سرور جواد و آقای جانان اسپین غر رئیس نهاد (فیفا) شرکت نموده بودند ضمن تبصره در باره برخورد فزیکئی روز ۱۵ جنوری ۲۰۱۳ در داخل پارلمان، خانم وژمه گفت: که در داخل پارلمان مافیا وجود دارد که از وزرا باجگیری مینمایند. که این باجگیری شامل قراردادهای، تقرر و نصب دوستان و نزدیکان شان در ادارات و موسسات میباشد و همیشه قانون از طرف حکومت پایمال میگردد. آقای همایون (همایون) ضمن توضیحات و انتقاد از گروه ها در پارلمان گفت: که: لت و کوب در پارلمانها مطلب عادی است. این گفتار آقای همایون مبین این ادعا است که:

(واقعاً تعداد قابل ملاحظه اعضای مجالس تریبه و اخلاق خشن دوران جنگ را دارند) آقای مجیدی ضمن توضیح علل پرخاش و زخمی شدنش، اضافه نمود که روحیه خشونت، توهین و دشنام در پارلمان حاکم میباشد در اندک ترین اختلاف نظر در جلسات، ادامه جلسه با دشنام دادن به یکدیگر ادامه و یا خاتمه میابد. طبق توضیحات آقای همایون، آقای ابراهیمی رئیس پارلمان و آقای لالی نماینده مردم کندهار با دشنامها به ناموس یکدیگر فضای جلسه را مکدر و به جنگ فزیکئی خاتمه یافت.

اما صحبت آقای سرور جواد جوان روشن، با استدلال و منطقی روی مطالب صحبت کرد و فرمودند که:

«مردم هم در زمینه انتخاب وکلای خویش مسئولیت دارند، چرا به چنین اشخاصی رای میدهند که سوابق و اخلاق خوب ندارند و اضافه نمودند که: با تعیین چنین وکلا و حکومت سرنوشت جامعه افغانستان در با تلاق اقتاده است و اظهار تأسف نمود که باید مردم، نهاد های ملی و مدنی در تفاهم و همدیگر با گذشت و برده باری جهت رفاه عامه کار و فعالیت نمایند.

با نگاه مختصر در مورد پارلمان و عملکردهای آن و جویسای فعلی کشور به این نتیجه میرسیم که پارلمان فعلی افغانستان با موجودیت اکثریت قابل ملاحظه و کلا که مزین با سوابق فوق الذکر میباشد، نه تنها که در جهت حاکمیت قانون مصدر خدمت ب مردم و وطن نگردیده اند خود در ایجاد فساد و قانون شکنی نقش مهم را بازی نموده اند.»

اما باید یادآور شد که در هر دو مجلس پارلمان یکتعداد وکلای با احساس و جوانان رسالتمند بادنش، وطن پرست و آینده ساز وطن انتخاب و انتصاب شده اند گرچه فعلاً در اقلیت قرار دارند ولی ما به آینده پرسعدت آنان امیدواریم.

قوه قضائیه (قضا)

قوه قضائیه نقش اساسی در رعایت، نظارت، تحکیم حاکمیت قانون و تأمین عدالت در نظام دیموکراتیک دارد. قوه قضائیه باید از استقلال لازم برخوردار باشد. استقلال و بیطرفی قضات در بررسی قضایا سبب تأمین عدالت و صدور حکم عادلانه میگردد. عدم استقلال قضا به معنی فقدان دیموکراسی بوده و وابستگی قوه قضائیه به حکومت، سبب تمرکز قدرت گردیده و در نتیجه تهدیدی بر حقوق و آزادیهای اتباع در جامعه میگردد.

با تطبیق قانون توسط قوه قضائیه از یکطرف عدالت تأمین و حاکمیت قانون در جامعه تطبیق میگردد از جانب دیگر افراد جامعه به شمول قانون گریزان، متخلفین و مجرمین مکرر باترس از حاکمیت قانون و پیگرد قانونی اقدام به اعمال خلاف نه ورزیده، باترس از آینده، مجبور میگرددند تا با رعایت از قانون تن در دهند و زمینه های حاکمیت قانون و فرهنگ قانون پذیری در جامعه حکمفرما میگردد. طی سالهای دولت کرزی گرچه قوه قضائیه از نظر شکلی با طبق قانون اساسی در روند دیموکراتیک و استقلال قرار داده شده اما عملاً مانند دوقوه دیگر دولت آغشته با نواقص، قانون شکنی و فساد میباشد. بر علاوه اینکه استقلال خویش را نتوانسته حفظ نماید، تحت تأثیر حکومت قرار گرفته است. چنانچه جناب کرزی و همکارانش اکثراً کوشش نموده اند تا اعمال خلاف قانونی خویش را در لحاف تصامیم و فیصله های قوه قضائیه بپوشانند. مثالهای متعدد در زمینه از اختلاس ها، رهایی مجرمین، معضلات انتخاباتی، ایجاد محاکم بی نتیجه وی اثر و ... وجود دارد.

چون جناب رئیس جمهور در پستهای کلیدی، دوستان یا حلقه زنجیری خویش و متحدان کسب قدرت را بدون شایسته سالاری نصب نموده، به ندرت اعمال خلاف قانون آنان را مورد بازرسی قرار میدهند.

نمیتوان چشم پوشی نمود که در قوه قضائیه کشور کار صورت نگرفته، چرا که قضات پاک نفس، باایمان، صادق با تجربه و کادرهای جوان، بالنده که آینده سازان کشور میباشد وجود دارد که با درک احساس از معضلات و پروبلمهای سه دهه اخیر کشور، با وجدان پاک تصامیم قضائی را گرفته و میگیرند. اما تعدادشان فعلاً محدود میباشد.

جامعه جهانی جهت برطرف نمودن فساد مزمن اداری در کشور ما که توسط دولت مردان نازل شده، سعی و تلاش نموده و ارگان قضائی افغانستان را تحت پوشش کمکهای تعلیمی، تربیتی، تخنیک و مالی که دولت ایتالیا متضمن آن میباشد، قرارداد. اما تاکنون موفقیت های لازم بدست نیامده چرا که بیشترین فساد اداری، حق تلفی، رشوه ستانی در ارگان های قضایی کشور وجود دارد. نسبت عدم موجودیت کدرهای مسلکی، یکتعداد قضات فاقد تعلیمات حقوقی و تجربه قضائی، داشتن تعلیمات خصوصی، تجربه جنگ و خشونت (زمانیکه وظیفه قضاوت را در جبهات به اصطلاح دوره جهاد انجام میدادند هزاران هموطنان بیگناه ما را تحت عناوین مختلف بدون دلیل و الزام با بیرحمی بقتل رسانیدند و یا به اتهام عدم تادیبه پول، جزیه و جرمه مجازات نمودند فعلاً با همان روحیه خشونت و زور در مسند قضا قرار دارند و قضاوت مینمایند. چنانچه آقای محترم عظیمی قاضی القضاات کشور ضمن مصاحبه ای فرمودند که: بیش از چهل در صد کارمندان محاکم فاقد تعلیمات حقوقی، تجربه قضایی، تحصیلات مسلکی و شایستگی می باشند. در حالیکه طبق فقره ۲ ماده ۱۳۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان:

تقرر، تبدل، ترفیع، مواخذ و پیش نهاد قضات مطابق احکام قانون از صلاحیت ستره محکمه میباشد. پس سؤالی درباره بیعدالتی، بی انصافی و عدم حاکمیت قانون در نظام باقی نمی ماند چرا که مسئول قوه قضائیه با داشتن صلاحیت قانونی مبنی بر رفع فساد در اداره که شامل تقرر و عزل قضات بی سواد و استفاد جو میباشد اقدام نمی نماید و مانند آقای کرزی و سایر رهبران دولت از فساد در ادارات خود ایجاد نموده، نالیده و فغان شان فضائی کشورهای جهان را مکرر نموده است. در این صورت فساد اداری، حق تلفی، خیانت و رشوه ستانی در ادارات قضایی یک امر عادی بوده و عامل ثبوت عدم حاکمیت قانون میباشد. مثال دیگر محترم آقای حسینی یکی از تحلیلگران مسائل افغانستان در باره قوه قضائیه چنین تحریر داشتند:

(من فکرمیکم که بررسی رویکردهای مربوط به قوه قضائیه افغانستان شامل تمام نظام دولت میباشد یعنی در مجموع دولت افغانستان همانطور که در سال ۱۳۸۹ چندان پیشرفت، توفیق و دستاوردهای اثربخش در سطح ملی و بین المللی نداشت در ارگان قوه قضائیه نیز چندان دستاورد قابل ملاحظه ندارد.

چند مسئله رامیتوان بصورت شاخص در نظر گرفت که تقریباً استقلال قوه قضائیه را خدشه دار نمود. اولاً اینکه قوه قضائیه در ادامه عملکردهای سالهای گذشته بیشتر با حکومت افغانستان نزدیک بوده و اکثراً تلاش نموده تا در مسیر اجراءات حکومت عمل کند. ثانیاً اینکه قوه قضائیه استقلال خویش را بصورت مستقل پیش نه برده اکثر اوقات بصورت خواسته یا ناخواسته در امور سیاسی کشور مداخله نموده است. مثلاً در مورد مسایل مربوط به تفسیر مواد قانون مربوط به رویکردهای پارلمان یا ایجاد محاکم اختصاصی در مورد انتخابات و مسائل دیگر.

نزدیکی بیش از حد قوه قضائیه یا پیروی از دیکته های حکومت، فسادگسترده اداری را در ساحه قوه قضائیه و مداخله کردن قوه قضائیه در امور سیاسی، عواملی اند که بر استقلال و توانمندی قوه قضائیه افغانستان ضربه وارد کرده که این امر در سال

۱۳۸۹ کاملاً مشهود بوده است. پس همانطوری که ما یک حکومت توانمند و باظرفیت و کارآمد نداریم، یک پارلمان قابل اعتماد و فارغ از بحرانها و مشکل را نداریم، یک قوه قضائیه توانمند و مستقل را هم متأسفانه نداریم.)
محترم ناصح استاد حقوق پوهنتون کابل در مورد عملکرد قوه قضائیه کشور با محترم حسینی هم‌نظر میباشند.
جناب رئیس محکمه نظامی ضمن صحبتی گفتند که میزان جرایم و تخلفی از قانون در نهادهای نظامی چند برابر افزایش یافته است.

همچنان رئیس عمومی محکمه استیناف نظامی علاوه نمودند که در سال جاری بیش از ۹۰۰ دوسیه جرایم و تخلفی از قانون به این داره رسیده است. طبق اظهار آن مقام، متهمان شامل مقامات عالیرتبه ای چون جنرالان، فرماندهان نظامی، رؤسای ادارات امنیت بعضی ولایات و مسئولان برخی زندانها میباشد. تجاوز جنسی، دزدی های مسلحانه، سوء استفاده از وظیفه دولتی و یا سهل انگاری در اجرای وظایف، (خیانت به کشور) و فرار دادن زندانیان، از جمله اتهاماتیست که به برخی مسئولان ارشد نظامی در افغانستان نسبت داده شده است. رئیس عمومی محکمه استیناف نظامی اضافه کرد که در برخی از این دوسیه های جرمی، مقامات در سطوح عالی از جمله جنرالها و قوماندانان پولیس در برخی از ولایات متهم به ارتکاب جرایم هستند.
مثال دیگر از فساد و سوءاستفاده در محاکم را میتوان از قضیه خانم دیوه در محکمه شهر جلال آباد میباشد که بتاريخ ۱۲ دسامبر ۲۰۱۲ توسط رادیو وسایت انترنتی (بی - بی - سی) پخش و نشر گردید میباشد که قاضی مسن از خانم جوان دیوه نام در مقابل انجام کارش تقاضای ازدواج را مینماید که همه ثبت نوار شده و نشر گردید. مثال دیگر: در بعضی واقعات تجاوز به زنان، اطفال و نوجوانان توسط جنگسالاران و زورمندان، متجاوزین آزاد ولی مظلوم یا شخصیکه بالايش تجاوز صورت گرفته محکوم به حبس گردیده اند. طبق گزارشگر رادیو (...) از ولایت فاریاب در طول سال ۲۰۱۲ بیش از ۱۵۰ واقعه تجاوز و خشونت علیه زنان در آن ولایت ثبت گردیده است طورنمونه خانم گلنار که مورد تجاوز زورمندان آن ولایت قرار گرفت موصوفه به اتهام زنا محکوم به حبس گردید و با طفل خورد سالتش به محبس اعزام گردید و تاحال زندانی میباشد. به همین شکل خانم قمرگل در آن ولایت مورد تجاوز قرار گرفته و قربانی فساد در اداره قضا گردیده است. جوانان و اطفال اکثراً توسط محاکم مربوطه به اتهام تن دادن به سکس مورد تعقیب عدلی قرار گرفته و متجاوزین زورمند و پول سلسله جنایات و مظالم خویش را ادامه داده میدهند. سازمان دیدبان حقوق بشر ضمن تحقیق و بررسی عدم رعایت قانون، تجاوز و خشونت علیه نوجوانان و کودکان از شیوه برخورد نهادهای قضایی با کودکان قربانی تجاوز جنسی در افغانستان انتقاد نموده و از دولت افغانستان خواسته که در قانون جزا و همچنان نحوه برخورد پولیس و نهادهای قضایی با دوسیه های جرایم اخلاقی، اصلاحاتی به میان بیاورد. بر علاوه از دولت خواست که به جای محاکمه اطفال و نوجوانیکه که مورد سوء استفاده جنسی قرار می گیرند، عواملان تجاوز به آنها را تحت پیگرد قانون قرار دهد. مثالهای فوق نمونه از صدها سوء استفاده و فساد در قوه قضائیه کشور بود و است که چگونه مردم و از جمله زنان در نظام قضایی افغانستان به عدالت دست نمی یابند. چون فساد در دولت کزری قوس سعودی راپیموده می رود به اثربلند شدن شکایات مردم از طرق مختلف و فشار جامعه جهانی رهبری دولت مجبور شد تا مجرمین را مجازات نماید. چنانچه از جمله هزاران جنایتکار بعد از گذشتن چلوصاف فساد در اداره قضا به اتهام قتل، تجاوز جنسی و آدم ربایی ۲۶۰ تن به اعدام محکوم شده اند بتاريخ ۳۰ عقرب سال جاری حکم اعدام ۱۲ نفر آن را رئیس جمهور منظور نمود. و امکان دارد که پیش از تطبیق حکم یکتعداد آن عفو و یا فرار نمایند.

بانظرداشت مطالب فوق میتوان گفت که در دوره حکومت انتقالی و ریاست جمهوری حامد کزری نسبت عوامل و دلایل متعدد داخلی و خارجی به ندرت از حاکمیت و رعایت قانون یادآور شد چرا که بانظرداشت شکلگیری، ایجاد، کدرهای دولت و کنار آمدنها بخاطر کسب و نگهداشت قدرت: (اراده رعایت قانون، حاکمیت قانون و مبارزه با فساد اداری در نظام وجود ندارد)
گرچه طی ماه اخیر در موقفگیریه، صحبتها، اسقلال طلبی، شکل و برخورد جناب کزری با حوادث و قضایای گذشته و فعلی در جهت رعایت و تطبیق قانون، استقلال و حاکمیت ملی در کشور و عوامل نابسامانیها تا حدودی تغییر بملاحظه میرسد این عمل جناب کزری شاید جهت جلب توجه مردم که مظالم و قانون شکنی در تمام کشور قوس سعودی خود رامیبیماید بخاطر انتخابات آینده و یا سهیم ساختن طالبان و سایر جناحهای که طی سالهای قدرتش در ترور، کشتار و ویرانی کشور نقش اساسی داشتند، باشد.

به امید حاکمیت قانون در کشور ما
با احترام ع باغبان

د پانوی شمیره: له ۷ تر ۷

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ